

همین که باد می آید
و بوی آب می آرد،
برای من کافی ست.
همین که هر زمان که دلم تنگ می شود،
صدف به گوش می گیرم
و غرق زمزمه هایی از آنچه در دریاست،
کنار ماه می میرم،
برای من کافی ست.

همین که هیچ ندانم به چه هنگامی موج
به موج ام کوید
و ساحل این تن صخره کوفته را بویید؛
همین که شعر
در بغل است و عشق هم با ماست
و هیچکس تنها نیست،
برای من کافی ست.

واشینگتن، 15 تیر 1389